

پنجم - فیروز مشرقی

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

شاعر دوره صفاری و معاصر عمرو لیث صفاری (265-287) است و به سال 283 هـ. ق وفات کرده است. درباره وی نوشته اند که « فساد را از سخن پارسی دور کرد ». (1)
تذکره نویسان از احوالش اطلاعی بیشتر نداده اند. از میان اشعار او 9 بیت شامل سه قطعه دو بیتی و سه بیت مفرد برجای مانده است.

« شعر »

مرغی است خدنگ ای عجب دیدی
مرغی که شکار او همه جانا
داده پر خویش کـرکش هدیه
تا نه بچه اش برده به مهمانا

نوحه گر کرده زبان چنگ حزین از غم گل
موی بگشاده و بر روی زنان ناخونا
گه قنینه بسجود اوفتند از بهر دعا
گه زغم بر فکند یک دهن از دل خونا

به خطّ و آن لب و دندانش بنگر
که همواره مرا دارند در تاب
یکی همچون پرن بر اوج خورشید
یکی چون شایورد از گرد مهتاب

سرو سیمین ترا درمشک تر
زلف مشکین تو سرتا پا گرفت

مصفا باش و شیرین خوی چون شیر
نه چون زج ترش خوی و تیره رو باش

هست پروین چو دستۀ نرگس
همچو بنات نعلش رنگینان (2)

منابع و مأخذ

- 1 - فرهنگ فارسی ، مؤلف : داکتر محمد معین ، جلد 6 ، ص 1394.
 - 2 - « لباب الالباب » ، مؤلف : عوفی ، ص 241.
- « مجمع الفصحا » مؤلف : رضا قلی خان هدایت ، ص 946.
- و « تاریخ ادبیات در ایران » ، مؤلف : ذبیح الله صفا ، ج 1 ص 181.